

بررسی های باستان شناسی در دشت تهران

اثر: دکتر حسن فاضلی نشلی

استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

(از ص ۱۹۷ تا ۲۱۵)

چکیده:

شکل گیری جوامع مرکب یکی از خصلت های مهم باستان شناسی دوران کالکولیتیک را در ایران تشکیل می دهد.

دشت تهران یکی از معدود مناطقی در ایران می باشد که بسیاری از ویژگی های جوامع حکومتی را در خود بروز داده است. یکی از بهترین شیوه ها جهت مطالعه ساختار سیاسی اجتماعی یک چنین جوامعی استفاده از داده های بررسی های باستان شناختی می باشد. نوشتار حاضر به صورت مقدماتی به معرفی بعضی از این استقرارها در دشت تهران می پردازد. استقرارهای معرفی شده برای اولین مورد مطالعه قرار گرفته و امید است با پژوهشهای بیشتر بتوان به شناسایی دیگر استقرارهای پیش از تاریخ دشت تهران پرداخت.

واژه های کلیدی: نوسنگی، کالکولیتیک، تخصص پذیری حرف، بافت استقرار، جوامع ساده، جوامع مرکب، بررسی.

مقدمه :

در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۴ لغایت ۱۳۷۷/۸/۱۳ گروهی از باستان شناسان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به سرپرستی نگارنده بررسی‌های باستان‌شناسی را در دشتهای مجاور جنوب، جنوب شرق و غرب تهران انجام داده‌اند. در این بررسی، یک ماهه هیئت باستان‌شناسی فوق موفق شد محل‌های متعددی از دوران تاریخی، اسلامی و پیش از تاریخ را کشف و مورد مطالعه قرار دهد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی توزیع مکانی فرهنگهای پیش از تاریخ در دشت تهران میباشد. این مقاله نگاهی خواهد داشت به برخی از یافته‌هایی که در طول بررسی، هیئت باستان‌شناسی آنها را مورد مطالعه خود قرار داد.

ویژگیهای طبیعی دشت تهران:

ماسیف عظیم البرز که در دوران چین خوردگی آلی تکوین یافته با قلی مرتفع و دره‌های عمیق مانند سد عظیم قوسی شکل به طول تقریبی ۶۰۰ کیلومتر بین دریای خزر و فلات مرکزی ایران واقع شده است. این دیوار عظیم در غرب بوسیله دره عمیق سفید رود از کوههای طالش جدا شده از سوی شرق به کوههای خراسان می‌پیوندد و حبله رود آن را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌کند. ارتفاع و عرض رشته کوههای البرز متفاوت است. عریض‌ترین و مرتفع‌ترین ناحیه این کوهستانها قله دماوند در البرز میانی یا اصلی است و هر چه از دو سوی آن به طرف شرق و غرب پیش برویم هم از ارتفاع و هم از عرض آن کاسته می‌شود. ارتفاعات البرز دارای دو دنیای اقلیم نباتی متمایز در دو سوی شمالی و جنوبی خود می‌باشد. اگر بر روی یکی از قله این کوهستان بایستیم و به دو جبهه شمالی با پوشش انبوه از نباتات و درختان جنگلی انبوه و دامنه جنوبی خشک و بدون درخت و نبات می‌باشد. چون البرز تا دریای خزر فاصله چندانی ندارد، اختلاف سطح موجب پیدایش جریانات جوی و رگبارها و بارانهای طولانی شدید می‌شود که به طور مداوم جبهه‌های شمالی مشرف به دریا را مورد حمله قرار می‌دهد، در حالی که همین ارتفاعات غالباً مانع بزرگی برای گذشتن بخارهای دریای خزر و جریانات جوی به سوی حاشیه‌های جنوبی می‌گردد و در این صورت است که تقسیم آب و رطوبت یکی از

نقشهای بارز این رشته از کوهستانها می‌باشد. دشت تهران درست در بخش جنوبی البرز مرکزی و در ارتفاع ۱۱۱۹ متر از سطح دریاهاى آزاد جهان قرار گرفته است. در حد شمالی این دشت رودخانه‌های لار، جاجرود و کرج جاری می‌باشند و البرز مرکزی را به سه قسمت تقسیم می‌کند. این سه قسمت عبارتند از:

الف: کوههای توچال و لواسانات که بین رودخانه‌های لار و جاجرود قرار دارند و مشرف به دشت ورامین هستند.

ب: کوههای شمیرانات که بین سرچشمه‌های جاجرود و کرج قرار دارند و بلندترین نقطه آنها قله توچال با ارتفاع ۳۹۳۳ متر است.

ج: رشته کوههای ممتد فیروز کوه که از هراز تا گردنه عباس آباد کشیده است و سرانجام به سفیدکوه متصل می‌شود.

مهمترین بخش دشت تهران را دشت ری تشکیل می‌دهد که میانگین ارتفاع آن از سطح دریا حدود ۱۲۰۰ متر می‌باشد که بتدریج از ارتفاع آن به طرف جنوب کاسته می‌شود و به حدود ۸۰۰ متر می‌رسد. بخشهای شمالی دشت ری را دیواره جنوبی البرز مرکزی در بر می‌گیرد که ارتفاع بالای ۱۵۰۰ متر را شامل می‌شود. ارتفاعات و قله‌های بلند این ناحیه به صورت کانون آبگیر دائمی، رودهایی را که از این ارتفاعات سرچشمه می‌گیرند، در طول سال تغذیه می‌کند. بدین ترتیب دشت ری همواره از منابع آب مطمئنی در طول فصول خشک و گرم برخوردار می‌باشد. کوههای مرکزی و جنوبی این ناحیه عبارتند از بی بی شهربانو، نامک، سه پایه، القدر و حسن آباد. در بخش جنوبی دشت تهران دریاچه‌ای بنام دریاچه قم که با نامهای دیگری همانند حوض سلطان، دریاچه ساوه و دریاچه شاهی مشهور است به مساحت تقریبی ۲۴۰۰ کیلومتر مربع واقع شده است. طول آن حدود ۸۰ و عرض آن حدود ۳۰ کیلومتر می‌باشد. وسعت و شکل آن متناسب با واردات و میزان بارندگی در فصول مختلف سال متفاوت است. رودخانه‌هایی که به این دریاچه می‌پیوندند عموماً از جهت شمال و مغرب اند. دریاچه از

طرف شرق به کویر متصل شده و هیچ نوع وارداتی ندارد. واردات شمالی آن رودخانه‌هایی هستند که آبهای دامنه جنوبی البرز را جمع کرده و با حفر دره‌های وسیع در جلگه تهران، در جنوب این جلگه به هم نزدیک شده و در مجاورت یکدیگر وارد دریایچه می‌شوند. اهم این رودخانه‌ها عبارتند از رود شور، کرج، جاجرود، حبله رود و قره‌سو. در دشت ری رودهای متعددی جریان دارد که مهمترین رودهای دائمی آن عبارتند از:

۱- جاجرود. این رودخانه از کوههای گلون بسته که جزو ارتفاعات خرسنگ کوه است، سرچشمه گرفته و پس از عبور از روستای فشم، شعب دیگری همانند آهار است که در روستای فشم به آن می‌ریزد و دیگری رود دماوند است که در نزدیکی‌های دشت ورامین به آن می‌پیوندند. این رودخانه پس از مشروب ساختن دشت ورامین در جهت جنوب به مسیر خود ادامه داده و در ۲ کیلومتری جنوب سالاریه به رودخانه کرج متصل می‌شود.

۲- رود کرج. منبع اصلی آب بخش غربی و جنوب غربی دشت تهران، رودخانه کرج می‌باشد که از کوههای خرسنگ کوه به ارتفاع ۴۱۸۳ متر سرچشمه گرفته و رودخانه‌های متعددی در منطقه کوهستانی همانند ولات رود، وارنگ رود، رود گچسر و شهرستانک را می‌توان نام برد که در طول مسیر رودخانه به آن می‌پیوندند. این رود پس از مشروب نمودن دشت کرج وارد جلگه شهریار شده و اراضی شهریار را مشروب می‌نماید. این رود پر آب که در واقع به عنوان پر آب‌ترین رود سلسله جبال جبهه جنوبی البرز محسوب می‌شود، در کوهستان رود دائمی و در دشت پایکوهی و در مجاورت مسیله، از ویژگی رودهای اتفاقی برخوردار است. طول رود کرج حدود ۲۲۰ کیلومتر می‌باشد و بازده متوسط آن ۱۷ متر مکعب در ثانیه است که این مقدار در تابستان و اوایل پائیز کمتر، و در زمستان و اوایل بهار بیشتر می‌شود. آب این رودخانه از بارانهای فصلی، و ذوب برفهای کوهستانی تامین می‌شود. رود کرج در مسیر خود که جهت شمال غربی - جنوب شرقی دارد به موازات رود شور به جریان خود ادامه می‌دهد و ضمن یک گردش قوسی شکل

به سوی جنوب متمایل می‌گردد و در ۲۰ کیلومتری سالاریه به رود جاجرود ملحق می‌شود. دشت تهران با توجه به ارتفاع و شرایط جغرافیایی که از یک طرف بین رشته کوه البرز و از طرف دیگر منطقه بیابانی آن را محصور کرده است، از پوشش گیاهی یکسانی برخوردار نیست. مناطقی که بین ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ متری واقع شده‌اند، به واسطه کمی مقدار بارندگی و طولانی بودن فصل خشک، تنها گیاهانی که قادر به تحمل چنین شرایطی دشوار باشند، امکان رویش پیدا می‌کنند. در دشت تهران با توجه به سردی هوا در زمستان و خشکی آن در تابستان، موانعی که پوشش قابل ذکر گیاهی داشته باشند وجود ندارد. در واقع پوشش گیاهی در دشت تهران در فصول بهار و اوایل پاییز به علت دمای هوای مناسب و بارندگی کافی رشد می‌کنند. مهمترین گونه‌های پوشش گیاهی دشت تهران عبارتند از: انواع بوته‌های خاردار، خشخاش، یونجه، کتیرا، خار شتر، انواع بوته‌های گز و انواع گیاهان خانواده گندمیان. دشت تهران با توجه به عوامل کلی اقلیمی مانند عرض جغرافیایی، ارتفاع، و فاصله از دریاها و آبهای بزرگ جهان، تحت تأثیر سه نوع توده هوای مختلف است که عبارتند از:

۱- توده هوای محلی

۲- توده هوای غربی و شمالی

۳- توده هوای شرقی

میزان متوسط بارش باران در تهران حدود ۲۱۶ میلیمتر است. این بارندگیها در ماههای آذر و دی بیشتر است. در کوهپایه‌های جنوبی ارتفاعات البرز به واسطه ارتفاع زیاد مقدار بارندگی بیشتر می‌شود و با دشتهای حاشیه کویر متفاوت است چگونگی وزش باد در دشت تهران و نقاط اطراف آن با موقعیت جغرافیایی خود کاملاً مرتبط است. در واقع می‌توان سه نوع منطقه جغرافیایی متفاوت از هم را در دشت تهران برشمرد که عبارتند از:

۱- منطقه کویر قم ۲- دشتهای حاشیه کویر در جنوب و جنوب شرق ۳- کوهستانهای مرتفع البرز و تپه ماهورهای دامنه جنوبی آن در شمال.

نظری به تاریخ مطالعات باستان‌شناسی در دشت تهران:

پژوهشهای باستان‌شناسی دوران پیش از تاریخ در دشت تهران با کاوشهای باستان‌شناسی در اوایل قرن بیستم با حفاریهای دمرگان فرانسوی در چشمه علی ری آغاز شد. بعدها بنا به دلایلی که معلوم نیست این هیئت به کاوشهای خود در ری ادامه نداد تا اینکه اریخ اشمیت از دانشگاه ویلادلفیا به دشت ری آمد و به کاوش در چشمه علی پرداخت. در این کاوشها که تقریباً سه فصل به طول (۱۹۳۴-۳۶ میلادی) انجامید، بخشهای وسیعی از محل متعلق به دوره‌های مختلف از زیر خاک بیرون آمد. اشمیت آمریکایی که می‌توان گفت از بزرگترین حفاران عصر خود به شمار می‌رفت نیز هیچ وقت فرصت نیافت که نتایج کاوشهایش را به چاپ برساند. اشمیت در یک سانحه هوایی از دنیا رفت ولی آنچه که از حفاریهایش باقی ماند مربوط به هزاران قطعه عکس، طرح و یاد داشت مربوط به کاوشهایش بود که هیچ وقت انتشار نیافت. کاوشهای اشمیت در چشمه علی مشخص نمود که جوامعی در حدود ۷۰۰۰ سال قبل در پایکوه‌های جنوبی دشت تهران استقرار یافته بودند که مشخصه فرهنگی آنان سفال قرمز رنگی بوده است که بنام سفال نوع چشمه علی معروف گشت. بعدها باستان‌شناسان در کاوشهایشان در فلات مرکزی با دیگر مشخصه‌های این فرهنگ آشنا شدند و دریافتند که این جوامع از جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی به پیشرفت‌های قابل توجهی رسیده بودند. در همین ارتباط می‌توان به کاوشهای هیئت بلتون براون انگلیسی در قره تپه شهریار، کاوشهای متعدد انجام گرفته در اسماعیل آباد کرج، کاوشهای باستان‌شناسی هیئت‌های باستان‌شناسی دانشگاه تهران در دشت قزوین اشاره نمود.

اهداف بررسی‌های باستان‌شناختی در دشت تهران و نتایج آن

بررسی‌های باستان‌شناختی در زمینه توزیع مکانی فرهنگهای پیش از تاریخ بسیار سودمند بوده و می‌توان مسائلی همانند تراکم جمعیت، توزیع و پراکندگی استقرارها در هر دوره نسبت به دوره قبل، وسعت دهکده‌ها در هر دوره و بررسی روند توزیع کمی و کیفی روستاها در دوره پیش از تاریخ را مورد مطالعه قرار داد. بررسی‌های باستان‌شناسی

این امکان را می‌دهد تا در کنار روابط بین استقراری محل‌های پیش از تاریخ روابط درون استقراری این جوامع را نیز مورد مطالعه قرار دهیم. یکی از اهداف این طرح این بوده است تا با مطالعه کار ابزارهای این دوره در محل‌های پیش از تاریخ به تبیین یکی از مقوله‌های مهم باستان‌شناختی یعنی تخصص‌پذیری فن پردازیم. کتی کوستین فرآیند تکاملی تولید تخصص کالا را بصورت زیر طبق بندی کرده است.

تولید خانگی

اشتغال فردی

اشتغال خانگی

اشتغال کارگاهی

اشتغال روستایی

مقیاس و شدت تولید

اشتغال در مقیاس وسیع (Costin, 1991)

تخصص‌پذیری یکی از شاخصهای مهم جهت شناخت شکل‌گیری طبقات اجتماعی محسوب میشود بطوریکه همراه تخصصی شدن جامعه از حالت پاره وقت به صورت تمام وقت یک چنین شکافی تشدید میگردد (Wason, 1994). به عبارت دیگر، در یک جامعه مبتنی بر ساختار قبیله‌ای الگوهای فعالیتهای فنون بر شیوه تولید خانگی خود بسنده (Self Sufficient Economy) استوار است، در حالی که در جامعه حاکم نشین (Chiefdom) فعالیتهای گروههای انسانی بسیار متمرکز شده و شیوه‌های تولید و داد و ستد فرآورده‌ها از نظم پراکنش دوباره (Re - distribution Mechanism) تبعیت می‌کند (Renfrew and Bahn, 1996, 1995) در واقع فعالیتهای فنون و رشد تخصص‌پذیری می‌تواند مبنایی جهت مطالعه رشد پیچیدگی اجتماعی در پیش از تاریخ به حساب آید. یک چنین تخصص‌پذیری ممکن بوده است در دو نوع کالاهای منزلتی و کالاهای معیشتی انعکاس یافته باشد. کالاهای معیشتی شامل دارو، غذا و به طور کلی در برگیرنده فرآورده‌هایی هستند که مرتبط با نیازهای اساسی خانگی است. حال آنکه کالاهای منزلتی در برگیرنده اشیا ویژه، آئینی و مبادلاتی می‌باشد (Brumfiel and Earle, 1987-4) به عبارتی در یک جامعه پیچیده تحولات مهمی در تمامی ابعاد جوامع انسانی نسبت به یک جامعه ساده

- بروز کرده بود. رنفریو به حدود ۲۰ مورد از تحول ساختاری چنین جوامعی اشاره دارد که بعضی از این اختصاصات عبارتند از:
- ۱- تبدیل جامعه به صورت اقلاری
 - ۲- شخص حاکم توزیع و پخش کالا را سازماندهی می‌کند
 - ۳- تراکم بیشتر جمعیت
 - ۴- تولید بیشتر
 - ۵- حدود و تقور مرزهای منطقه‌ای بیشتر می‌شود.
 - ۶- جامعه‌ای یگانه‌تر با تعداد بیشتری از پایگاهها که دارای محوریت اجتماعی هستند.
 - ۷- مراکز هم پایه‌ای که در زمینه‌های اجتماعی، دینی و همچنین اقتصادی فعالیت دارند.
 - ۸- برگزاری جشن‌های زیاد و مراسم‌های آئینی که اهداف وسیعی را در جامعه تحت پوشش قرار می‌دهد.
 - ۹- رشد روحانیت
 - ۱۰- تخصص پذیری نه تنها به صورت منطقه‌ای با اکولوژیکی است بلکه از میان مجموعه‌ای از مهارتهای فردی در محدوده وسیعتری افراد به کار و تلاش می‌پردازند.
 - ۱۱- ساماندهی و گسترش کارهای عام المنفعه...
 - ۱۲- پیشرفت در تخصص پذیری فن
 - ۱۳- وجود عوامل بالقوه جهت توسعه منطقه‌ای مرتبط با ظهور و سقوط حاکمان
 - ۱۴- تقلیل کشمکش‌های داخلی
 - ۱۵- افرادی به خاطر پایگاه و مقام اجتماعی شان با زیور آلات مشخص و یا با لباسهایی خود را در سطح جامعه نشان می‌دهند.
 - ۱۶- فقدان حکومت واقعی که تصمیمات را به وسیله نیرویی مشروع و توکند.
- گرچه ممکن است بعضی از این اختصاصات در جوامعی که در پایکوههای جبهه جنوبی البرز مرکزی می‌زیستند مصداق پیدا نکند ولی به نظر می‌رسد که داده‌های

باستان‌شناختی این منطقه منعکس‌کننده بعضی از این رویدادها باشد. مضافاً اینکه بعضی از این شاخصها فقط از طریق داده‌های بررسی‌های باستان‌شناختی می‌تواند مدلل گردد و دیگر شاخصها از طریق راهبردهایی مثلاً کاوش قابل تبیین است. لذا هیئت بررسی با یک چنین پیش‌فرضهایی بررسیهای باستان‌شناسی خود را در دشت تهران آغاز نمود. هیئت بررسی در طول یک ماه بررسی‌های خود در دشت تهران در حدود ۱۲ محوطه پیش از تاریخ را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. گرچه هدف هیئت بررسی مطالعه دوره‌های دیگر فرهنگی در دشت نبوده است ولی بخاطر اینکه هیئت با محوطه‌های دوره‌های دیگر در دشت برخورد نموده است، یک سری مطالعات مقدماتی را بر روی این استقرار انجام داده است. از میان محوطه‌های دوران تاریخی بایستی به یافته‌های تپه خالد آباد در منطقه آب باریک اشاره نمود که یک عدد سکه اردشیر اول و از جنس نقره می‌باشد. این منطقه استقراری در جنوب ورامین و در کناره جاده ورامین به چرمشهر قرار دارد.

شیوه بررسی:

امروزه باستان‌شناسان از شیوه‌های مختلفی جهت بررسی‌های باستان‌شناسی بهره می‌جویند. استفاده و انتخاب این شیوه‌های گوناگون و متنوع ارتباط مستقیمی با اهداف بررسی متغیرهای محیطی هر منطقه دارد. امروزه دشت تهران به شدت تحت تاثیر گسترش شهر تهران قرار گرفته است به طوری که بسیاری از محوطه‌های باستانی در نتیجه این گسترش به طور کامل تخریب و یا ویران شده‌اند و یا اینکه در میان باغات و شهرکهای صنعتی و مسکونی قرار گرفته‌اند. افزون بر این حفاریهای قاچاق و تسطیح سازی زمین‌های کشاورزی به جهت ایجاد مجتمع‌های کشاورزی همه و همه عواملی می‌باشند که در فرایند تخریب اماکن باستانی واقع در دشت سهیم می‌باشند. لذا با توجه به واقعیت‌های موجود می‌بایستی استراتژی خاصی را جهت بررسی‌های باستان‌شناختی مورد انتخاب قرار داد. از طرفی دیگر موقعیت دشت تهران به گونه‌ای است که محدوده

خاصی برای سکونت و استقرار در آن زمان مناسب نبوده است. باید در نظر داشت که گسترش آب و هوای کویری و شوره زارهای اطراف دشت تهران و نبود آب قابل شرب در این منطقه از عواملی بوده که جمعیت‌های انسانی را به کمر بند میانی دشت سوق داده است. با توجه به واقعیت‌های فوق، هیئت در طول هفته اول به شناسایی وضعیت طبیعی و توپوگرافی محلها و مناطق واقع در دشت تهران پرداخت. یک چنین مطالعاتی به ما امکان داد که در حدود ۳۰ درصد از کل منطقه مورد نظر را برای بررسی و کارهای میدانی انتخاب نمایم. یکی از اهداف هیئت بررسی بازدید مجدد مکانهایی بود که قبلاً بررسی و یا کاوش شده بود که در بعضی مواقع پیدا نمودن این محوطه‌ها ساعتها باعث اتلاف وقت هیئت می‌شد، به طوری که در مواردی هیئت موفق به پیدا کردن این مکانها نشده است.

اولین منطقه انتخابی جهت بررسی عبارت بود از بخش انتهایی جنوب شرق گردنه حسن آباد به طرف سه راه چرمشهر تا بخش جنوب شهر ورامین منطقه مورد نظر دیگر در برگیرنده بخشهای جنوبی شهرک واوان تا منطقه رباط کریم بوده است. جهت شناسایی موقعیت جغرافیایی محلها از نقشه‌های جغرافیایی با مقیاس ۱/۲۵۰۰۰۰ و ۱/۵۰۰۰۰۰ استفاده شد. همچنین از تمامی نقاط یک محوطه چندین موقعیت جغرافیایی از قبیل طول و عرض و ارتفاع با استفاده از GPS گرفته شد. طریقه کار به این صورت بوده است که با روشن کردن GPS از تمامی نقاط محوطه اطلاعات ضبط می‌شد و با حرکت کردن به صورت طولی و عرضی در چهار جهت محوطه و قرار گرفتن در مرکز محل از زوایای مختلف اطلاعات مورد نظر ثبت و ضبط می‌شد. همچنین با تهیه فرمی تمامی اطلاعات مربوط به محل نیز ثبت می‌شد. شیوه نمونه برداری به این صورت بوده است که با شبکه بندی محل در ابعاد ۱۰×۱۰ آنرا به صورت شبکه درآورده و سفالها از درون شبکه جمع آوری می‌شد. در عمده محوطه‌ها از تمامی شبکه‌ها نمونه برداری صورت می‌گرفت و یا در صورت کمبود وقت و یا بزرگی محوطه‌ها نمونه برداری به صورت تصادفی بوده است. این کارها اجازه می‌داد تا بتوانیم از وضعیت استقرار

محل اطلاعات منسجمی تهیه نمائیم. از همه محوطه‌های پیش از تاریخ نقشه‌برداری دقیقی به عمل آمد و توپوگرافی آن روی نقشه پیاده شده است.

استقرارهای پیش از تاریخ دشت تهران

۱- تپه فخرآباد

تپه باستانی فخرآباد در جنوب شهرستان ورامین و در جهت جغرافیایی ۳۵.۱۱.۵۱ شمالی و ۵۱.۳۳.۴۴ شرقی قرار دارد. ارتفاع تپه از سطح دریا در حدود ۹۳۵ متر و ارتفاع آن نسبت به زمینهای اطراف خود حدود ۴.۵ متر می‌باشد. طول شمال تپه ۹۰ متر و عرض آن ۷۰ متر می‌باشد. مساحت کل محوطه ۶۳۰۰ متر مربع می‌باشد. در واقع مساحت تپه بیش از اینها بوده است و مرور زمان بخشهای مهمی از تپه به طور کامل تخریب و نابود شده است. دوره‌های استقراری این محل همزمان با سیلک III₁₋₃ می‌باشد. تپه در کنار جاده چرمشهر به ورامین و در نزدیک پل جهاد قرار گرفته است. وجه تسمیه تپه به خاطر قرار گرفتن آن در اراضی روستای فخرآباد می‌باشد. تپه امروزه در کناره مجتمع کشت و صنعت اشراق وابسته به بنیاد شهید انقلاب اسلامی قرار گرفته است. بخش شمال غرب تپه توسط شرکت راه سازی و در زمان ایجاد جاده ورامین به چرمشهر به طور کامل تسطیح و تخریب شده است و متأسفانه بخشهای شمال، شرق و جنوب تپه نیز توسط مجتمع کشت صنعت به وسیله تراکتور صاف و تخریب شده است به طوری که در زمان بررسی شیارهایی که توسط بیل مکانیکی بروی سطح تپه ایجاد شده حدود ۳۰ سانت بوده است. در حدود ۳۰۰ متر دورتر از بخش شمالی تپه فخرآباد محوطه‌های دیگری متعلق به دوران اسلامی وجود داشت که قبلاً به طور کامل تخریب و صاف شد. بر روی سطح صاف شده می‌توان بقایای معماری از قبیل خشت‌های پهن چهارگوش و سفالینه‌های دوره اسلامی را مشاهده نمود. رنگ سفالینه‌های دوره پیش از تاریخ تپه فخرآباد براساس کتاب Soil Munsel Colour Chart به طیف‌های مختلفی از رنگ قرمز تا قهوه‌ای تقسیم می‌شود.

اکثر سفالهای ساخته شده دست ساز می‌باشند و سفالهای چرخ ساز نیز عمدتاً مربوط به دوره سیلک III می‌باشند. از دیگر کار ابزارهای بدست آمده از فخر آباد بایستی به انواع تیغه‌های سنگی، تراشه‌ها، سنگ مادر و خرده ابزارهایی که در نتیجه ساخت ابزار در محل بجای مانده است اشاره نمود. همچنین در مطالعات مقدماتی ابزارهای سنگی مشخص شده که تولید این ابزارها می‌بایستی در محل صورت گرفته باشد. عمده مواد خام سنگی استفاده شده در محل جنبه محلی داشته‌اند. اینجانب در مطالعه مقدماتی که با همکاری آقای دکتر امینی از گروه زمین‌شناسی دانشگاه تهران داشته‌ام ایشان معتقدند که منشا مواد خام این سنگها و کوههای اطراف دشت تهران همانند کوههای مره و از نوع شیست کرج می‌باشند.

۲- تپه صادق آبادی

تپه باستانی صادق آبادی یکی از استقرارهای پیش از تاریخی است که در بخش جنوب شرقی رشته کوههای حسن آباد قرار گرفته است. این تپه در حال حاضر در محدوده شرکت مرغداری صادق آبادی وابسته به جهاد سازندگی قرار گرفته است. جاده واقع بین سه راه چرمشهر به پاسگاه حسن آباد در بخش جنوب تپه قرار دارد. نزدیکترین روستای نزدیک به تپه دهکده‌ای به نام محمد آباد می‌باشد و به عبارتی تپه در حد فاصل بین دو روستای محمد آباد و روستای عشتازون قرار گرفته است.

مساحت تپه در حدود ۹۰×۹۰ می‌باشد. ارتفاع میانگین تپه در حدود ۷ متر نسبت به مناطق اطراف خود می‌باشد. تپه صادق آبادی تنها استقرار پیش از تاریخ دشت تهران می‌باشد که دارای قدیمی‌ترین آثار شناخته شده همزمان با سیلک I می‌باشد. براساس مطالعه و طبقه‌بندی سفالینه‌های تپه صادق آبادی می‌توان دوره استقرار را برای تپه پیشنهاد نمود این سه دوره استقراری عبارتند از:

۱- دوره نوسنگی جدید (سیلک I)

۲- دوره انتقالی کالکولیتیک (سیلک II)

۳- دوره کالکولیتیک قدیم (سیلک III₁₋₃)

۴- دوره کالکولیتیک میانی (سیلک III₄₋₅)

۵- دوره کالکولیتیک جدید (سیلک III₆₋₇)

سفالینه‌های دوره سیلک I به صورت دست ساز بوده و به طور کلی حرارت آن نامناسب می‌باشند. به طوری که مغز سفال به صورت سیاه درآمده و دلیل آن نیز این است که این نوع سفالینه‌ها در کوره باز پخته شده‌اند و سفالگر قادر به کنترل حرارت سفال در کوره نبوده است. نوع رنگ این نوع از سفالها به صورت قهوه‌ای بسیار کم رنگ، (10YR 7/3 Very Pale Brown) می‌باشند. نوع نقشها به صورت نقوش متداول سیلک I می‌باشد و عمدتاً داخل و بیرون ظرف منقوش می‌باشد. در بعضی موارد به علت حرارت کم، سطح ظرف را می‌توان به وسیله ناخن خراش داد و به نظر می‌رسد که می‌توان یکی از مراحل تکنولوژیکی این دوره را نسبت به دوره قبل در همین مسئله جستجو نمود. در دوره دوم استقرار سفالینه‌های تپه صادق آبادی از لحاظ رنگ، نقش و به طور کلی از لحاظ تکنولوژیکی تفاوت عمده‌ای با دوره قبل دارند. سفالینه‌های این دوره به صورت ظریف می‌باشند و ضخامت آنها از ۲ میلیمتر تا یک سانتیمتر متغیر می‌باشد. رنگ سفال عمدتاً به صورت قرمز (2/5 YR 4/8 Red)، قرمز روشن (2.5YR 6/8 Light Red)، قهوه‌ای (7.5YR 5/4 Brown) و غیره می‌باشد. عمده این سفالها دست ساز بوده و در بعضی از موارد سفالها با چرخ کند ساخته شده‌اند. دوره سوم استقرار تپه صادق آبادی که بیشتر بخش مرکزی و شرق تپه را در بر می‌گیرد شامل دوره سیلک III می‌باشد. استفاده از چرخ سفالگری از اختصاصات این دوره می‌باشد. همچنین در این دوره سفالها دارای سفالهای دوره قبلی نیستند و ضخامت، رنگ و نقش سفالها نسبت به دوره قبلی تغییرات محسوسی می‌یابد. رنگ این دوره از سفالها بیشتر به رنگ قهوه‌ای (7.5YR 5/4 Brown)، زرد کم رنگ (2.5YR 8/3 Pale Yellow)، نخودی روشن (10YR 7/2 Light Gray) و غیره می‌باشند. همچنین تعداد متعددی ابزار سنگ بدست آمده که شامل تیغه (Blade)، تراشه (Flake)، خراشنده (Escraper)، و دیگر ابزارها در اندازه‌ها و اشکال مختلف می‌باشند.

مواد خام آنها عبارتند از انواع سنگ چخماخ و سنگ کوارتز که واردات آنها جنبه محلی دارد.

۳- مافین آباد

مافین آباد یکی دیگر از استقرارهای پیش از تاریخی است که در جنوب غرب شهر تهران قرار گرفته است. امروزه تپه مافین آباد در حدفاصل بخش شمالی شهرک واوان و بخش جنوبی روستایی که به نام مافین آباد نام دارد قرار گرفته است. تقریباً بیش از پنجاه درصد از کل خاک و لایه‌های باستانی تپه به طور کامل تخریب و از بین رفته است و خاک آن برای کارخانه آجرسازی موزد استفاده قرار گرفته و یا در نتیجه تسطیح سازی و ساخت و ساز شهری در زیر خاکها مدفون شده است.

طول و عرض تپه در حدود 220×252 متر مربع می‌باشد. چون تپه در نتیجه عوامل مختلف گود برداری شده است و با توجه به همین امر می‌توان بیش از ۱۴ متر از لایه‌های باستانی تپه را از طریق برش‌های ایجاد شده مشاهده نمود. ارتفاع تپه نسبت به زمین‌های اطراف خود حدود شش متر می‌باشد. در ضمن در عمق ۶ تا ۷ متری سفالینه‌های نوع سیلک III_{4.5} مشاهده می‌شود. در نتیجه مافین آباد می‌بایستی یکی از محدود استقرارهایی باشد که دارای بیشترین آثار دوره سیلک III_{4.5} می‌باشد. از لحاظ مقدار حجم لایه‌های باستانی مافین آباد قابل مقایسه با چشمه علی و تپه صادق آبادی می‌باشد. دوره‌های مهم استقراری تپه را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد.

۱- دوره انتقالی کالکولیتیک (سیلک II)

۲- دوره اوایل کالکولیتیک (سیلک III_{1.3})

۳- دوره کالکولیتیک میانی (سیلک III_{4.5})

۴- دوره کالکولیتیک جدید (سیلک III_{6.7})

۵- هزاره اول قبل از میلاد. همچنین تعدادی از سفالینه‌ها که با چرخ تند ساخته شده‌اند بدست آمد که به احتمال مربوط به عصر برنز باشد.

۴- تپه مهدی خانی

تپه مهدی خانی یکی از استقرارهای پیش از تاریخی است که در منطقه رباط کریم و درست در بخش شمال فرودگاه امام خمینی قرار گرفته است. فاصله تقریبی تپه با دیواره شمالی فرودگاه در حدود ۲۰۰ متر می‌باشد. وجه تسمیه این محوطه نسبتاً سالم بخاطر انگورهایی است که در منطقه کاشته می‌شده و اهالی منطقه آنرا بنام تپه محمدخانی و یا مهدیخانی می‌شناسند. نزدیکترین آبادی به محل روستای وهن آباد می‌باشد. بخش‌هایی از سطح تپه پوشیده از فضولات گوسفندان می‌باشد و چوپان محل آلونک گلی کوچکی را بر روی تپه ساخته است. ارتفاع میانگین تپه حدود پنج متر می‌باشد. طول (شمال - جنوب) تپه ۹۰ متر و عرض (غرب - شرق) آن ۱۵۰ متر است و مساحت آن حدود ۱۳۵۰۰ متر می‌باشد.

دوره‌های استقرار تپه مهدی خانی در برگیرنده استقرارهای زیر است:

- ۱- دوره انتقالی کالکولیتیک (سیلک II)
- ۲- دوره کالکولیتیک قدیم (سیلک III₁₋₃)
- ۳- دوره کالکولیتیک میانی (سیلک III₄₋₅)
- ۴- دوره دوره کالکولیتیک جدید (سیلک III₆₋₇)

در حالی که بخشهای مرکزی، جنوب شرق و شمال شرق تپه دارای سفالینه‌های دوره سیلک II و سیلک III₁₋₃ می‌باشد، بخشهای جنوب غرب و شمال غرب تپه دارای استقرارهای دوره سیلک III₄₋₆ می‌باشد. سفالینه‌های منقوش دوره‌های سیلک II و III₁₋₃ به لحاظ سبکی مشابهت‌های بسیار زیادی با سفالهای تپه چشمه علی داشته و نقوش به رنگ سیاه روی لعابهای قرمز منقوش شده‌اند. عمده این رنگها عبارتند از قرمز 2.5YR 4/8m Red، قرمز روشن 2.5YR 6/8 Light Red و قرمز متمایل به زرد 5YR 5/6 Yellowish Red می‌باشند. رنگهای سفالهای دوره بعدی استقراری را می‌توان به صورت

زیر خلاصه کرد: قهوه‌ای بسیار کم رنگ، 10YR 7/3 Very Pale Brown، نخودی روشن 2.5YR 7/2 Light Gray، زرد کم رنگ 5Y 8/3 Pale Yellow، نه تنها در دوره جدید رنگ سفالینه‌ها تغییر می‌یابد بلکه در نوع فرم پایه و لبه نیز نوآوریهای زیادی دیده می‌شود. به نظر می‌رسد در این دوره با افول استفاده از ابزارهای سنگی همراه بوده است و با پیشرفت در فنون ذوب مس کار ابزارهای جدید جای تکنولوژی قدیم را گرفته‌اند.

۵- چخماق تپه

محوطه پیش از تاریخی چخماق تپه در کناره سمت راست بزرگراه تهران - ساوه و در ملک جهانبانی واقع شده است و نزدیکترین روستای نزدیک به محل روستای متروکه‌ای بنام زمان آباد می‌باشد. چخماق تپه درست در ضلع شمالی بزرگراه تهران - ساوه قرار گرفته و جاده خاکی نیز از وسط آن به صورت شمالی و جنوبی عبور می‌کند. چخماق تپه به علت رسوب گذاری و سیلاب‌هایی که در نتیجه طغیان رودخانه کرج در طول قرنهای گذشته به وجود آمده است تقریباً به صورت برآمدگی کوچکی در دل دشت قرار گرفته است و حداکثر ارتفاع آن نسبت به زمینهای اطراف حدود ۳ متر است. همچنین به علت شستشوی خاک تپه مواد فرهنگی تپه در سطح وسیعی پراکنده است. در واقع به همین علت تشخیص وسعت محوطه باستانی چخماق تپه تا حدودی مشکل می‌باشد به طوری که پراکندگی سفال را می‌توان در یک محدوده ۵۰۰×۵۰۰ متر مشاهده نمود. وجه تسمیه تپه به خاطر این است که بومیان محل به علت وفور سنگ چاخ ماق بر روی سطح تپه آن را به عنوا چخماق تپه می‌شناسند. به نظر می‌رسد که یکی از دلایل سالم ماندن تپه بخاطر این بوده است که این محوطه استقرار به صورت تپه و تل بر دشت نمایان نیست و زیاد جلب توجه قاچاقچیان را نکرده است طول و عرض تپه در حدود ۱۰۰×۱۰۰ متر می‌باشد.

در حدود ۷۷ عدد از سفالینه‌های چخماق تپه مورد مطالعه قرار گرفت. اکثر سفالهای این محل قابل مقایسه با سیلک III_{4.5} و قبرستان II می‌باشند. در واقع هیچ گونه سفال

دوره چشمه علی و سیلک I و II شناسایی نشد و بدست نیامد. در واقع ممکن است این محل فقط بیانگر دوره استقرار کالکولیتیک میانه باشد. همچنین تعداد اندکی سفال دوره اسلامی از سطح تپه بدست آمد. یکی از خصوصیات چخماق تپه فراوانی ابزارهای سنگی و پس مانده‌های ابزارهای سنگی در محل است که نشانگر اوج استفاده از ابزارهای سنگی در محل است. اصولاً بعد از این دوره صنعت استفاده از ابزار در دشت تهران رو به افول می‌نهد و تکنولوژیهای جدید جای سنگ را می‌گیرند.

۶- میمون آباد

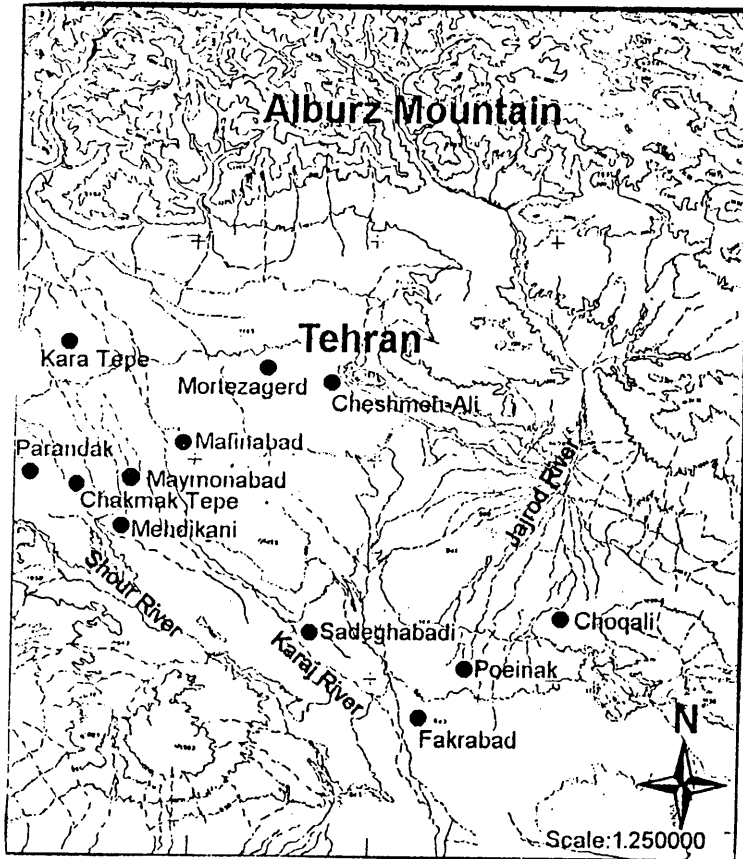
میمون آباد آخرین محوطه استقراری پیش از تاریخی است که در این بررسی مورد مطالعه قرار گرفته است. میمون آباد به صورت دو برآمدگی و یا دو تپه کوچکی است که در منطقه رباط کریم و در جنوب شرق روستایی به نام میمنت آباد و یا میمون آباد قرار گرفته است. متأسفانه تپه میمون آباد به علت حفاریهای غیر مجاز و به زیر کشت رفتن باغ انگور صدمات جدی دیده است و در حال حاضر نیز روند تخریب آن ادامه دارد. تپه میمون آباد تنها استقرار دوره آغاز شهرنشینی در دشت تهران است که آثاری از دوره سیلک III_{5,6} بدست آمده است. گرچه ممکن است در بررسیهای بیشتر استقرارهای بیشتری همزمان با میمون آباد شناسایی شود ولی به هر حال ضروری است تا اقداماتی لازم جهت حفظ و حراست تپه صورت پذیرد. طول دوره استقراری این محوطه براساس نوع سفال آن در برگیرنده دوره پایانی کالکولیتیک می‌باشد و به نظر می‌رسد که این محوطه استقراری در سپیده دم شهرنشینی در دشت تهران متروک شده است. تعداد ۸۷ عدد از سفالینه‌های میمون آباد مورد مطالعه قرار گرفته که قابل مقایسه با دوره استقراری قبرستان IV تپه قبرستان، سیلک III_{6,7} می‌باشد. در تپه میمون آباد چند نمونه سفال نوع اولیه واریخته بدست آمد. سفالهای میمون آباد از لحاظ فرم، نقش و نوع رنگ تفاوت عمده‌ای با دوزه‌های قبلی دارند.

نتیجه:

هیئت بررسی باستان‌شناسی در طول یک ماه بررسی‌های باستان‌شناسی موفق شد هفت استقرار جدید را شناسایی و بررسی نماید و پنج منطقه دیگر نیز توسط دیگر هیئت‌های بررسی باستان‌شناسی به صورت کم و بیش معرفی شده بود. مواد فرهنگی این محوطه‌های در برگیرنده دوره‌های استقراری اواخر نوسنگی تا اوایل دوره کالکولیتیک می‌باشند. بیشترین محوطه‌های دوره استقراری مربوط به دوران اوایل کالکولیتیک تا دوره میانی کالکولیتیک می‌باشند و تنها یکی از محوطه‌های دارای استقرار دوره اواخر نوسنگی و یک یا دو محوطه دارای استقرار دوره اواخر کالکولیتیک و دوره آغاز شهرنشینی می‌باشند. در حدود بیش از پانصد نمونه سفال جهت مطالعه انتخاب شد و ضمن طراحی شدن تمامی مشخصات آنها ضبط و به صورت پایگاه اطلاعاتی Data Base وارد کامپیوتر شد. با توجه به این که این استقرارها هم از لحاظ زانی و هم مکانی همدیگر را پوشش می‌دهند، لذا این مجموعه کامل به ما امکان می‌دهد تا نسبتاً، روابط درون و بین فرهنگی این استقرارها را تبیین و مطالعه نمائیم. گرچه این داده‌ها بایستی در مراحل بعدی تجزیه و تحلیل و چاپ و منتشر شوند ولی امید است با چند مرحله بررسی تکمیلی دیگر استقرارهای پیش از تاریخ در دشت شناسایی و مطالعه شده و سپس در گامهای بعدی مطالعات باستان‌شناختی و از جمله حفاریهای باستان‌شناسی در این استقرارها آغاز شود.

منابع:

- ۱- بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۲.
 - ۲- وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۵ جغرافیایی استان تهران، شرکت چاپ و نشر ایران.
- Brumfiel, E.M., and Earle, T., 1987, *Specialization, Exchange and complex societies*, Cambridge University Press, Cambridge
- Costin, C.L., 1991, Craft Specialization: Issues in Defining, Documenting, and Explaining the Organization of Production. In *Archaeological Method and Theory*, Vol 3, edited by M.B. Shieffer, pp. 1-56. University of Arizona Press, Tucson
- Renfrew, C., 1979, *Problems in European prehistory*, Edinburgh University Press
- Renfrew, C. and P. Bhan., 1996, *Archaeology, Theories, method and Practice*, Thams and Hudson
- Schmidt, E. F., 1934, The joint expedition to Persia, *Bulletin of the University Museum*, 5, 3, pp.85-87
- 1935a, Excavation at Ray, *Bulletin of the University Museum*, Vol.5 N.4, pp.25-27
- 1935b, The Persian Expedition, *Bulletin of the University Museum*, 4, 5, pp. 41-49
- 1936, Rayy Research 1935. part I, *University Museum Bulletin*, 6, No 3, pp.79-87
- 1936, Rayy Research 1935, part II, *University Museum Bulletin*, *University Museum Bulletin*, 6, 4, pp.136-134
- Wason, P. K., 1994, *The archaeology of rank*, Cambridge University Press, Cambridge



نقشه شماره یک: استقرارهای دوره نوسنگی و کالکولیتیک در دشت تهران